

تعامل پلیس و مدارس و تاثیر آن بر کاهش جرایم: رویکردی آگاه سازی

دکتر توحید عبدی^۱، عباس بهاری^۲

چکیده

پلیس با برقراری تعامل و مشارکت با مدارس (دانش آموزان، اولیاء و سرپرستان و مربیان و کارکنان) ضمن استفاده از دیدگاه‌های آنها، بر مشکلات امنیتی و انتظامی در جامعه وقوف یافته و می‌تواند بیش از پیش در برقراری نظم و حفظ امنیت موفق باشد. هدف اصلی تحقیق، شناخت تاثیر آموزش و تعامل پلیس با دانش آموزان در کاهش جرایم و هدف فرعی آن، تبیین مناسب‌ترین شیوهی تعامل پلیس با مدرسه می‌باشد. متغیر مستقل، آموزش همگانی دانش آموزان، اولیاء و سرپرستان، مربیان و کارکنان مدارس و متغیر وابسته کاهش جرایم می‌باشد. جامعه آماری، کارکنان و مربیان اعم از مدیران و معلمان دبیرستان‌های پسرانه شمال شرق تهران در سال ۱۳۸۶ است که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۳۶ نفر است. داده‌های پژوهش، از طریق پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت انجام گردید ($\alpha=0/91$). پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه اصلی تحقیق «تاثیر تعامل پلیس و مدارس با رویکرد آگاه‌سازی بر کاهش جرایم» و سه فرضیه فرعی تحقیق ۱- بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد. ۲- بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش آموزان و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد. ۳- بین تعامل پلیس با دانش آموزان مدارس و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد. اثبات شده است. در نتیجه، میان تعامل پلیس با مدارس و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر آن، نتایج تحقیق نشان دهندهی این است که هر یک از این متغیرها با کاهش جرایم ارتباط معنادار و مستقیمی دارند. تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس با ضریب ۲/۱۱، تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش آموزان با ضریب ۲/۰۱ و تعامل پلیس با دانش آموزان با ضریب ۱/۸۸ اولویت بندی گردیده و در این خصوص شاخصه‌ها و متغیرهای مستقل تحقیق به دست آمده است.

واژگان کلیدی: تعامل پلیس با دانش آموزان / Police-students' interactions / آگاه‌سازی / Awareness / پلیس جامعه محور / Community policing / کاهش جرم / Crime reduction / جامعه گرایی و پلیس - Community orientation & police / جرایم و مدارس / Crime & schools / دبیرستان‌ها / High schools / تهران / Tehran.

□ **استناد:** عبدی، توحید و بهاری، عباس (تابستان ۱۳۸۶). «تعامل پلیس و مدارس و تاثیر آن بر کاهش جرایم: رویکردی آگاه‌سازی». *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی* / سال دوم، شماره دوم: ۱۷۱-۱۸۶.

۱- استادیار دانشگاه علوم انتظامی

۲- کارشناس ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی

مقدمه

یکی از مؤثرترین اقدامات پیشگیرانه فعال، تعامل پلیس با بخش قابل ملاحظه‌ای از جوانان و نوجوانان کشور در نهاد مدرسه می‌باشد. زیرا هم اکنون چندین میلیون نفر از سرمایه انسانی کشور به عنوان دانش‌آموز در مقاطع مختلف در مدارس کشور در حال فراگیری علم و دانش می‌باشند. نهاد مدرسه نیز یکی از مهم‌ترین نهادهای تعلیم، آموزش، پرورش و تربیت جوانان، به عنوان سرمایه‌های آینده کشور است. بنابراین حضور برنامه‌ریزی شده، قانون‌مند، کارشناسی شده و سازماندهی شده توسط افسران مستعد و پرورش یافته برای این امر خطیر، به منظور تعلیم، آگاه‌سازی، آموزش، همکاری مستمر و محبت آمیز و صادقانه به منظور تحقق پیشگیری از جرایم، تحول بزرگی در توسعه اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به اقدامات مؤثر اخیر پلیس و واکنش و اظهارات مثبت بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم به ویژه استادان و فرهیختگان کشور، ظرفیت قابل قبولی برای پاسخ به چنین نیازی در جامعه بیش از پیش فراهم شده باشد. در همین ارتباط برخی از استادان حقوق و جرم‌شناسی معتقدند: پلیس یا لاقط واحدی از پلیس علاوه بر وظیفه‌ای که به عنوان ضابط قضایی دارد می‌تواند قبل از وقوع جرم نیز مداخله و اقدام کند. چون پلیس علی‌الاصول و به طور سنتی بعد از وقوع جرم وارد عمل می‌شود ولی از پلیس اداری و پلیس غیرضابط (پلیس اجتماعی) می‌توان توقع داشت که قبل از وقوع جرم اقداماتی به اقتضای شرایط اجتماعی و فرهنگی انجام دهد تا جرم و انحراف به وقوع نپیوندد (نجفی ابرندآبادی، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۹). این تحقیق در پی آن است که با تعامل بین پلیس و مدارس با رویکرد آگاه‌سازی به کاهش جرایم کمک نماید و در پیشگیری از آن مؤثر واقع گردد.

رویکرد جدید پلیس: از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد دو الگو برای انجام امورپلیسی مطرح گردید:

- ۱- اجرای امورپلیسی مبتنی برحل مسئله^۱ که با فرایند تحلیلی با جرم مقابله می‌کند. در این الگو جرم نشانه بارز مشکلات زیربنایی تلقی می‌شود و مشکلات جوامع خاص، تحلیل و راهکارهای مؤثر در حل آنها به کار بسته می‌شود.
- ۲- اجرای امورپلیسی جامعه محور، که به واسطه ایجاد روابط مؤثر بین جامعه و پلیس از طریق همکاری و مشارکت اجتماعی برای حل مشکلات مربوط به جرم و جنایت انجام می‌شود و حول محورهای زیر انجام می‌گیرد (اتکینسون، ۱۳۸۵، ص ۱۲):
 - الف- همکاری بین پلیس و شهروندان برای دادن پاسخ متقابل به مشکلات اطرافیان؛
 - ب- شهروند به عنوان بازوی عمل‌کننده برای پلیس؛
 - ج- تخصص ماموران [پلیس در این رویکرد]؛
 - د- توجه به عوامل ایجاد جرم و بی‌نظمی؛
 - ح- استفاده از راهکارهای مختلف و مؤثر [در این تعامل]؛
 - و- تمرکززدایی خدمات پلیسی؛
 - ز- افزایش اقتدار و مسئولیت‌های ماموران پلیس.

نظریه‌هایی که راجع به پلیس و سازمان‌های پلیسی در دنیا وجود دارد منجر به ارائه دو نظریه تاکنون گردیده است: اجرای امورپلیسی تهدیدمحور و اجرای امورپلیسی جامعه محور. تهدیدمحوری به مدلی از امورپلیسی اشاره می‌کند که از جهت زمانی به دوران متقدم تکوین سازمان‌های پلیسی اشاره داشته و نقصان و نارسایی‌های موجود در آن مدل یا رویکرد منجر به فراروی به مدلی است که از آن با عنوان جامعه

محوری یاد می‌نمایند (عبدی، ۱۳۸۳، ص ۶).

پلیس تهدیدمحور: برخی از ویژگی‌های پلیس تهدیدمحور عبارتند از:

۱- بی‌توجهی به مشارکت مردم در تامین امنیت: طبق مدل تهدیدمحور، پلیس تنها سازمان متولی امنیت عمومی است و این وظیفه را بدون مشارکت مردم و به تنهایی بر دوش می‌کشد.

۲- امنیت قابل واگذاری نیست: طبق مدل فوق و بر اساس بند پیشین هیچ بخشی از امنیت قابل واگذاری به مردم و تشکل‌ها و نهادهای دیگر نمی‌باشد.

۳- امنیت سخت افزاری است: در این مدل امنیت صرفاً بعد فیزیکی و سخت افزاری داشته و قدرت پلیس در اقتدار ظاهری و توان تخصصی و سلسله امنیتی نهفته است. در این مدل پلیس نیازی به مشروع بودن اقتدار و مقبولیت مردمی نمی‌بیند.

۴- امنیت اولاً و بالذات از آن حکومت و یا طبقه ویژه‌ای است: در این مدل امنیت حق همگان نیست و عمومیت ندارد. اگر هست در یک سلسله مراتب تامین می‌گردد. به این معنا امنیت در مرحله اول و بالذات حق حکومت و طبقه حاکم است و در کنار امنیت حکومت، امنیت عمومی نیز تامین می‌شود.

۵- تقدم مقابله و واکنشی عمل کردن پلیس بر پیشگیری: در این مدل تمام تلاش پلیس به پیگیری، تعقیب و کشف جرم معطوف می‌شود. قوت پلیس در تعداد کشفیات است. همین دیدگاه منجر به رهیافتی در کار پلیس می‌شود که از آن به شیوه واکنشی یاد می‌شود. در این شیوه جرم اتفاق می‌افتد و کار پلیس پیگیری و کشف آن است.

مطالعات انجام شده در اغلب کشورها نشان داده است که بدون مشارکت مردم، شیوه‌های تامین امنیت عمومی نظیر واکنش سریع به گزارش‌های تلفنی، تلاش برای شناسایی دستگیری مهاجمان و حضور مأموران گشتی سنتی، برای افزایش امنیت عینی و کاهش ترس شهروندان از جرم کافی نبوده و بر این باروند که دوره اعتقاد به این مسئله که هرچند تعداد پلیس و سرعت عمل آنها بیشتر باشد معضل جرم و ترس از آن حل خواهد شد به سر آمده و جای خود را به دوره‌ای داده است که در آن تشریک مساعی بین مردم و پلیس افزایش یافته است.

در قرن ۱۹ میلادی پلیس با رویکرد تهدیدمحوری در مقابله با جرایم و قانون شکنی و استقرار نظم و امنیت اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای امن ناتوان ماند و با تغییر نگرش تقریباً در کلیه جوامع برای جلوگیری از توسعه جرم و پذیرش هنجارها و نرم اجتماعی جامعه بهترین شیوه، آموزش و اطلاع رسانی به مردم جامعه و مشارکت آنها در تامین امنیت بود، شکست و ناکارآمدی نگاه سخت افزاری به امنیت منجر به ایجاد پلیس جامعه محور و یا پلیس اجتماعی یا مشارکت‌گرا شد (عبدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

پلیس جامعه محور: برخلاف نظر عمومی، پلیس در این رویکرد قاطعانه‌تر از شیوه سنتی با جرایم و مجرمان برخورد می‌کند و به مبارزه می‌پردازد. در این رویکرد به معنای نفی و انکار مقابله با مجرمان نیست. بسیاری از افراد که به تبیین پلیس اجتماعی و یا جامعه محوری و امور پلیسی پرداخته‌اند از غیرملموس و مبهم بودن این نظریه سخن گفته‌اند و آن را به دلیل اینکه حدود مشخصی ندارد یک اصطلاح غیرقابل تعریف دانسته‌اند.

پس از ناکارآمدی و شکست پلیس تهدیدمحور به دلیل نگاه سخت افزاری به امنیت منجر به فراروی از دوران و مدل تهدیدمحور به طلیعه رویکرد پلیس جامعه محور یا مشارکت‌گرا گردید و فریدمن (۱۳۸۳، ص ۴۶) از جمله کسانی است که تعریف نسبتاً جامعی را از پلیس جامعه محور ارائه داده است: «پلیس جامعه محور عبارت است از: راهبرد و خط مشی، با هدف دست‌یابی به کنترل مؤثر کارآمد جرایم، کاهش ترس از جنایت [جرم]، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به نام جامعه که درصدد تغییر شرایط جرم خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس سهیم شدن فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مردم است.» تعریف

دیگری از عبدی (۱۳۸۳، ص ۱۹) وجود دارد: «جامعه محوری در امور پلیسی، فلسفه و راهبردی است که به مشارکت فعال شهروندان با پلیس برای کاهش ترس از جرم، حل مشکلات مربوط به جرایم و جلوگیری از وقوع آن و افزایش نظم اجتماعی و امنیت عمومی با تاکید بر حفظ حقوق و کرامت انسانی و مشروعیت اقدام پلیس نظر دارد.»

از ویژگی و نکات برجسته تعاریف به عمل آمده دو موضوع اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی همکاری پلیس و جامعه در کاهش جرایم و دیگری حرکت و عبور از شیوه سنتی و واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه، به سوی شیوهی فعال مبتنی بر حل مسئله است. از طرف دیگر دوره اعتقاد به اینکه هر چه تعداد پلیس و سرعت عمل آنها بیشتر باشد ترس از جرم و معضل آن حل می‌شود به پایان رسیده و جای خود را به دوره‌ای جدید که همان تشریک مساعی بین مردم و پلیس داده است. جایگزین نمودن این انقلاب فکری و اندیشه‌ای و تبدیل آن به بازدهی در عمل و سیاست نیازمند تلاش عظیم و گسترده سازمان‌های پلیسی و تغییر و تحول ساختاری در آنها است و اینکه چگونه پلیس بتواند این انقلاب را به مرحله عملی پذیرش عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌های با هدف تبدیل کند، بزرگ‌ترین مسئولیت است که بر دوش مسئولان پلیس می‌باشد.

ایجاد و اصول کارپلیسی با مشارکت جامعه: جامعه محوری امورپلیسی دارای ابعاد متنوعی است: فلسفی، راهبردی، تاکتیکی، و سازمانی.

۱- بعد فلسفی: نوع نگاه پلیس به انسان، جامعه و مسابلی نظیر امنیت است. در این دیدگاه مردم صاحب حق برای داشتن امنیت جانی، مالی و آبرو بوده و از آزادی و حقوق انسانی برخوردارند. امنیت مخصوص طبقه خاصی نیست و دستگاه پلیس صرفاً برای امنیت طبقه ویژه و قدرتمندان به کار نمی‌رود. مقام معظم رهبری تفاوت اهداف دستگاه‌های پلیس طاغوت که رویکرد تهدیدمحوری داشت و سازمان‌های متولی امنیت در نظام جمهوری اسلامی را که رویکرد جامعه محوری بر آن حاکم است چنین بیان می‌دارند (سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴):

اساس نیروی انتظامی در دوران رژیم غیرمردمی و طاغوتی، برای حفظ امنیت طبقات ویژه بود، بقیه مردم هر چه بر سرشان آمد، بیاید، مهم نیست. من در همان زمان رژیم گذشته، در مناطق مرزی کشور به صورت تبعید زندگی می‌کردم و می‌دیدم که وضع آن چگونه بود. امنیت عبارت بود از امنیت خوانین، بزرگان و سرمایه داران منطقه، دیگران حقی از امنیت نداشتند. به همین لحاظ اگر در مناطق مختلف کشور به خصوص در دور دست‌ها، آدم متنفدی، نوکران و کارگران و زیردستان خور را می‌زد، می‌کشت، حبس می‌کرد از زندگی و هستی می‌انداخت و امنیت آنها و زن و فرزندشان را سلب می‌کرد، ایرادی نبود و کسی نمی‌گفت که شما چرا این کار را کردید. اگر به پاسگاه هم شکایت می‌کردند، شکایت کننده محکوم می‌شد، یعنی امنیت، امنیت طبقات ویژه بود، نه امنیت عمومی، فرضاً که در شهرهای بزرگ مثل تهران و بعضی شهرهای دیگر، پلیس بازارها و کوچه‌ها و خیابان‌ها را در همه جا زیر نظر داشت و در حقیقت این دستگاه عظیمی که در آن زمان برای امنیت کشور فراهم شده و طراحی گردیده بود، هدف اش آن بود و..... در نظام اسلامی قضیه این طور نیست. امنیت، امنیت عموم مردم است. در همه شئون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است.

حضرت امام (ره) در بیانات خود در دیدار با کارکنان نیروی انتظامی به این دو تفاوت در اهداف پلیس زمان طاغوت و پلیس جمهوری اسلامی اشاره داشته و فلسفه اصلی و اساسی پیدایش و تجهیز و تقویت سازمان‌های متولی امنیت آن زمان را ترساندن مردم و مشروعیت قوای انتظامی و نظامی در جمهوری اسلامی را خدمت‌گذاری به مردم می‌داند (باقری، ۱۳۸۰، ص ۲).

۲- بعد راهبردی: در این راهبرد جهت‌گیری کار پلیس به نحوی تعریف می‌شود که امور و اقدامها براساس اثربخشی کارپلیسی تعریف شده و علی‌رغم اینکه اغلب شهروندان از اقدامات سریع، تحقیق

در مورد علت وقوع حوادث و تنبیه متخلفان استقبال می‌کنند در این راهبرد پلیس فعالیت‌های خود را بر پیشگیری از وقوع جرم متمرکز می‌کند.

۳- بعد تاکتیکی: در این بعد نظریه‌ها، فلسفه و راهبرد به برنامه، تاکتیک و رفتارهای عینی تبدیل می‌شود. این امر بیان و تاکید این نکته است که پلیس جامعه محور صرفاً یک تغییر نام بدون اقدام نیست، بلکه تمام اقدامات در چارچوب استراتژی مشخصی جریان یافته و شیوه‌ها، ابزارها و تاکتیک‌های تامین امنیت و استقرار نظم اجتماعی ویژه‌ای جریان می‌یابد. از بعد تاکتیکی کارپلیسی با مشارکت جامعه [اداره امور پلیسی جامعه گرا] دارای مولفه‌ها مهم زیر می‌باشد:

الف- تعامل با جامعه؛

ب- مشارکت با سازمان‌ها، تشکل‌ها و عامه مردم؛

ج- گرایش به حل مسئله (ترویج‌نویج، ۱۳۸۳، ص ۵۳).

۴- بعد سازمانی: این رویکرد ساختار ویژه‌ای را می‌طلبد و با هر ساختاری سازگار نمی‌باشد. در پلیس جامعه محور پلیس بسیار به سازمان‌های اجتماعی نزدیک می‌شود و در عین وجود بعد نظامی و اینکه جزو نیروهای مسلح است در عین حال با اتخاذ فلسفه، راهبرد، شیوه‌ها و ابزارهای نوین تامین امنیت به تدریج از ساختار صرف نظامی فاصله گرفته و ضمن حفظ هویت سلسله مراتبی ساختار نوینی پیدا می‌کند. جامعه محوری هر چند یک رویکرد و یک مدل حاکم بر تمام پلیس است ولی در عین حال به ساختار نیز ناظر است. در پلیس کشور ما تاکید بر اتخاذ این رویکرد در کنار تاسیس واحدهای جدید نظیر معاونت اجتماعی و توجه به پیشگیری اجتماعی و بسط و توسعه آموزش همگانی، تاسیس مراکز مشاوره‌ای و مددکاری اجتماعی در کلاترپها و وجود مرکز مطالعات اجتماعی و توجه به افکار جامعه و تاسیس مرکز افکار سنجی از شاخصه‌های این رویکرد و ساختار به شمار می‌رود (عبیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۲۲).

ویژگی‌های پلیس جامعه محور: شاخصه‌ها و ویژگی پلیس جامعه محور نقطه مقابل ویژگی‌های رویکرد تهدیدمحور است. در تهدیدمحوری مقابله با مجرم اصل و شیوه کارپلیسی است و ابزار پلیس برای تامین امنیت، تجهیزات و در بهترین شرایط تخصص حرفه‌ای پلیس است که پس از وقوع جرم به کشف و دستگیری مجرم می‌انجامد. در حالی که جوهر اساس رویکرد پلیس اجتماعی بر حل مسئله و تقدم پیشگیری بر عملکرد واکنشی پس از وقوع جرم بنا گذاشته شده است و بر مشارکت فعالانه مردم توجه دارد. برخی از ویژگی‌های پلیس جامعه محور عبارتند از:

۱- تأمین امنیت عمومی و نظم اجتماعی با مشارکت مردم: از مصادیق مشارکت شهروندان می‌توان به استفاده از پلیس یاران جوان، همکاری داوطلب پلیس در کنترل نظم و مقررات عبور و مرور، گزارش‌دهندگان نامنی‌های خاص محلات و..... اشاره کرد. در کشور ما نیز می‌توان در بسیاری از حوزه‌های ماموریتی پلیس از توانمندی نهادها، سازمان‌های دولتی، تشکل‌های غیردولتی و اقبال اجتماعی و مخصوصاً جوانان بهره گرفت. خصوصاً با توجه به گسترش دامنه اعتیاد در میان جوانان می‌توان در این گونه معضلات و آسیب‌های اجتماعی از همکاری جوانان استفاده کرد. شیوه‌های سنتی مبارزه با موادمخدر هر چند لازم است ولی کافی نیست، باید اطلاع رسانی، آموزش همگانی و افزایش مهارت‌های زندگی اجتماعی جوانان محور اول فعالیت سازمان‌های مسئول امنیت و خصوصاً پلیس باشد و در مرحله بعد خود جوانان می‌توانند همیاران داوطلب بسیار خوبی برای مشارکت با پلیس به‌شمار روند.

۲- حل مسئله، شیوه و تاکتیک پلیس برای مواجهه با جرم: یکی از ارکان جامعه محوری رویکرد مسئله محوری است و حرکت و عبور از شیوه واکنشی و مبتنی بر وقوع حادثه به سوی شیوه‌ی فعال مبتنی بر حل مسئله تاکید شده است، به عبارت دیگر، اداره امورپلیسی از راه حل مسئله که شامل

شناسایی مسایل و تصمیم گیری در مورد آن است، بهترین شیوه رویارویی با مسایل و مشکلات امنیتی و نابسامانی‌های انتظامی است، لذا یکی از شاخصه‌های اساسی پلیس جامعه محور، اتخاذ شیوه بازدارندگی به جای واکنشی عمل کردن است. این امر به معنای شناسایی مسایل و جستجو در مورد علت‌های آن می‌باشد(عبدی، ۱۳۸۳، ص ۲۳، ۲۴).

۳- **تقدم پیشگیری بر مقابله:** پیشگیری بر درمان مقدم است و در مسایلی نظیر مشکلات جوانان و نوجوانان باید به راهکارهای پیشگیرانه اهمیت بیشتری داده شود. در حوزه نظم اجتماعی و توسعه و گسترش رعایت نرم‌ها و هنجارهای اجتماعی این شیوه قطعاً اولویت دارد و پسندیده‌تر است.

۴- **آموزش همگانی:** ارائه‌ی آموزش همگانی به مردم جزو ارکان این رویکرد است. بسیاری از مسایل جامعه را می‌توان با آموزش و تربیت حل کرد.

۵- **آموزش پلیس:** هر سازمان پلیسی قادر به اتخاذ رویکرد جامعه محوری نمی‌باشد، لذا باید دستگاه پلیس با جدیت به تغییر رویکرد آموزشی خود از تهدیدمحوری به جامعه محوری اقدام کند. در این خصوص به راهکارهای توسعه جامعه محوری و نکاتی که بیان شده توجه نماید.

۶- **نرم افزاری بودن امنیت:** بر طبق این دیدگاه نظم و امنیت اجتماعی امری نرم افزاری است. بنابراین، با استفاده از شیوه‌ها و تاکتیک‌های سخت افزاری نمی‌توان به توسعه و گسترش آن پرداخت.

۷- **نظام اخلاقی پلیس:** یکی از ویژگی‌های اصلی پلیس جامعه محور، داشتن نظام نامه اخلاقی ویژه‌ای است که بر اساس و جوهر آن دفاع از حقوق مردم و رعایت کرامت انسانی، دفاع از نظم اجتماعی و قربانیان در مقابل متجاوزان به حقوق مردم و عمل بر طبق قانون است. شاخصه‌هایی که بیان شد در کنار رضایت‌مندی و اعتماد و مقبولیت پلیس سرمایه اصلی این سازمان در مقابله با هر گونه جرم و ناامنی است. مواردی که بیان گردید شاخصه سازمانی پلیس اجتماعی بود. در انتها به برخی از ویژگی‌های فردی پلیس اجتماعی که کاملاً ریشه در نظام نامه اخلاقی پلیس دارد اشاره می‌شود(عبدی، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

اهداف تعامل یا مشارکت در ناجا: ناجا در پی اهدافی برای تعامل یا مشارکت است:

- ۱- ایجاد سهولت در اجرای ماموریت‌های ناجا؛
- ۲- بهره‌مندی و بکارگیری توانمندی‌های موجود در جامعه اعم از سازمان‌های دولتی، تشکل‌های غیردولتی و مردم در اجرای ماموریت‌های ناجا؛
- ۳- جلب حمایت عمومی از ماموریت‌های ناجا؛
- ۴- آگاه‌سازی و ایجاد حساسیت در اقشار اجتماعی نسبت به رشد ناهنجاری‌ها و ضرورت مشارکت و تعامل همگانی برای مقابله و پیشگیری از آن؛
- ۵- آموزش همگانی به سطوح مختلف جامعه در رابطه با چگونگی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و کاهش جرائم؛
- ۶- اطلاع‌رسانی پیرامون عملکردهای مثبت ناجا از طریق جلب مشارکت مطبوعات، رسانه‌های گروهی صدا و سیما؛
- ۷- آگاهی از نیازها، انتظارات و توقعات متقابل پلیس و جامعه از طریق برگزاری جلسات و تعامل با مردم و بهره‌برداری از نتایج پلیس ۱۱۰ و آمار استان‌ها؛
- ۸- پیش‌بینی، طراحی و ایجاد مکانیزم‌های خودکنترلی در امنیت (شب‌گرد، پلیس محلات، پلیس دانش‌آموزان)؛
- ۹- تغییرات ساختاری و کارکردی بر اساس مقتضیات جامعه (مرکز مشاوره ناجا، مرکز اطلاع‌رسانی ناجا، مرکز سینمایی ناجا، دفتر نظارت همگانی)؛

۱۰- نهادینه سازی احترام به حقوق اجتماعی و رعایت قوانین موضوعه از طریق اجرای طرح‌های سالم سازی با مشارکت آحاد جامعه؛

۱۱- درونی سازی هنجارها و ارزش‌های جامعه با مشارکت نهادهای خانواده، مدرسه و نهادهای مذهبی، فرهنگی، هنری و... که در آمادگی فرزندان و کسب مهارت‌های لازم برای زندگی در جامعه نقش اساسی دارند و می‌توان از طریق آنان بسیاری از مفاهیم و مطالب را در کودکان درونی و نهادینه ساخت.

۱۲- همگرایی میان اقشار و گروه‌های اجتماعی در ارتباط با پالوده ساختن فرهنگ جامعه از ضدازش‌ها و پارازیت‌های فرهنگی و فرهنگ‌های مهاجم و مخرب با بهره‌گیری از توانمندی‌های موجود در بستر جامعه؛

۱۳- مشارکت با نهادهای خانواده و مدرسه بعنوان عاملان اصلی جامعه‌پذیری در تربیت نسل‌های آینده بر اساس هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه؛

۱۴- واگذاری بخش‌هایی از مأموریت و حفظ نظم و امنیت به افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و تشکلهای مشارکت جو. ناچا در جهت تامین اهداف مذکور ضمن تعامل دوسویه با گروه‌های مختلف جامعه طرح‌های مشارکتی مختلفی را شناسایی و تدوین و اجراء نموده است و بعضی از این طرح‌ها مانند طرح مشارکت پلیس و سازمان‌های دولتی، مشارکت پلیس و تشکلهای غیردولتی، مشارکت پلیس و اقشار مردمی و طرح‌های سالم‌سازی (سایت اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی).

اهداف تعامل پلیس با مدارس: تعامل پلیس با مدارس در کل برای دستیابی به اهداف مشترکی است. در سایه همکاری‌های همه‌جانبه بین این دو قشر تعامل بوجود می‌آید و اهداف مشترک زیر مدنظر می‌باشد:

۱- رسیدگی به معضلات و مشکلات دانش‌آموزان مربوط به وقوع جرم و بی‌نظمی اجتماعی، گروه‌های خلاف کار و عوامل پخش مواد مخدر در مدارس و یا در اطراف آنها؛

۲- جلوگیری از وقوع جرایم علیه دانش‌آموزان در مدارس و محیط‌های اطراف آن؛

۳- آگاه‌سازی دانش‌آموزان به نکات ایمنی و آشناسازی آنان با قانون برای پیشگیری از قربانی شدن آنها؛

۴- آگاه‌سازی دانش‌آموزان از اقدام‌های کیفری در صورت بروز جرایم از ناحیه آنها و جلوگیری از قربانی شدن و ترس از انجام جرم؛

۵- آگاه‌سازی دانش‌آموزان از جرایم و اجرای عدالت و تمرکز بر حل مجادلات دانش‌آموزی؛

۶- شناسایی نقاط ضعف و قوت و تعیین تغییرات ضروری در مدارس و مناطق اطراف آن برای کاهش میزان وقوع جرایم؛

۷- کاهش حوادثی همچون نزاع، تهدید، حمله، سرقت، زورگویی و حمل سلاح سرد؛

۸- دخالت دادن دانش‌آموزان در اجرای امور مربوط به پیشگیری از وقوع جرایم؛

۹- شناسایی دقیق‌تر دانش‌آموزانی که در معرض خطر بروز مشکلات رفتاری هستند و بسترهای آسیب‌رسانی برای آنها فراهم‌تر است؛

۱۰- کمک به مدیران و کارکنان مدارس در خصوص پیشگیری از جرایم و اتخاذ تدابیر مؤثر.

در نهایت ایجاد مدارس امن و تربیت دانش‌آموزانی سالم و قانون‌مند در گرو همکاری و تعامل پلیس با مدارس و انجام مداخلات کارآمدتر می‌باشد (همان، ص ۲۶).

تعامل پلیس با مدارس با رویکرد آگاه‌سازی: انجام امور پلیسی با رویکرد جامعه‌محوری و آگاه‌سازی در مدارس به کلی با انجام امور پلیس سنتی متفاوت است. بر پایه این رویکرد ماموران پلیس برای اعمال قوانین و مقررات در مدارس حضور می‌یابند و هدفشان عکس‌العمل به وقایع مجرمانه نیست بلکه هدف آنها حل مسایلی است. مشارکت پلیس جامعه‌محور با مدارس هم سو و در یک جهت می‌باشد. ماموران پلیس

نقش آگاه‌سازی، پیشگیری از جرایم و مداخله به هنگام را بر عهده دارند. با رویکرد آگاه‌سازی ارتباط بین پلیس و مدارس ارزش بسیاری دارد و کیفیت آن مدام ارتقاء پیدا می‌کند و حضور پلیس در مدرسه نشان وجود ناامنی نیست بلکه شاخصی است برای تضمین امنیت و سلامت و بهبود آموزش است. با این رویکرد از این پس حضور پلیس با خودرو در مقابل مدارس، دیگر نشانه وقوع حوادث تلخ و ناگوار نخواهد بود بلکه حاکی از وقوع خوشایند است و با اجرای این رویکرد تغییرات اساسی در نقش پلیس و ایجاد روابط اجتماعی با مردم و مدارس و حفظ نظم و امنیت بوجود خواهد آمد (اتکینسون، ۱۳۸۵، ص ۱۴).

آموزش همگانی ناجا: آموزش همگانی ناجا عبارت است از: مجموعه فعالیت‌هایی که به منظور یادگیری برخی از فعالیت‌های مشخص (دانش انتظامی، اجتماعی) با هدایت کارکنان معاونت اجتماعی ناجا برای تمامی افراد جامعه انجام می‌گیرد. (خمسه‌ای، ۱۳۸۲) منظور از آموزش همگانی (آگاه‌سازی اجتماعی) را از جمله‌ی مساعی و کوشش‌هایی که در جهت ارتقای سطح دانش و آگاهی، مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و همچنین ایجاد رفتار مطلوب برای کاهش فرصت‌های مجرمانه در هر یک از شهروندان پدید می‌آید، تعریف کرده است.

اهداف آموزش همگانی در نیروی انتظامی، که همان هدف‌های امنیتی و انتظامی است، به شش قسمت کلی به شرح ذیل تقسیم شده است:

- ۱- بالا بردن سطح اجتماعی و انتظامی افراد جامعه؛
 - ۲- پیشگیری از وقوع جرم و کاهش تخلفات؛
 - ۳- توسعه‌ی امنیت اجتماعی؛
 - ۴- تعمیم نظم عمومی و تامین آسایش فردی و اجتماعی؛
 - ۵- مشارکت مردم در راستای تحقق اهداف ماموریتی نیروی انتظامی؛
 - ۶- صرفه جویی در منابع نیروی انسانی و تجهیزات نیروی انتظامی.
- فرضیه اصلی پژوهش عبارتست از: تعامل پلیس با مدارس با رویکرد آگاه‌سازی بر کاهش جرایم تاثیر دارد. پژوهش دارای ۳ فرضیه فرعی است:

- ۱- بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین تعامل پلیس با اولیا و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین تعامل پلیس با دانش‌آموزان مدارس و کاهش جرایم رابطه معناداری وجود دارد.

مواد و روش‌ها

نوع این پژوهش کاربردی و روش و ماهیت آن توصیفی تحلیلی بوده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش ۱۸۳۵ نفر از کارکنان و مربیان دبیرستان‌های پسرانه شمال شرق تهران در سال ۸۶ بود که با فرمول کوکران ۲۳۳ نفر حجم نمونه بدست آمد که برای اطمینان بیشتر از ۲۴۰ نفر از کارکنان و مربیان به صورت تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه اخذ و تعداد ۲۳۶ پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه خودساخته با ۵ سوال در باره ویژگی‌های جمعیتی و ۲۴ سوال (۵ گویه‌ای) در باره تعامل پلیس با دانش‌آموزان بوده است. برای روایی ابزار، سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از نظرات استادان، متخصصان علوم اجتماعی و برخی از همکاران که مستقیماً با مردم در ارتباط بوده اند، تهیه و تنظیم و پس از اعمال اصلاحات موارد اشکال دار به کار گرفته شد. برای پایایی، ابتدا پرسشنامه به صورت نمونه در گروه ۳۰ نفری اجرا شد. محاسبه نشان داد که ضریب آلفای محاسبه شده ۹۱/۷۷٪ است که دلالت بر پایایی تحقیق دارد. برای تجزیه و تحلیل

داده‌ها از آماره‌های توصیفی و برای آزمون فرضیات از آزمون‌های t یک نمونه‌ای و علامت استفاده گردید، و برای جهت اولویت بندی عوامل مؤثر نیز از آزمون تحلیل واریانس فریدمن بهره گرفته شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی: میزان تحصیلات ۷۶/۳٪ کارکنان و مربیان دبیرستان‌های مورد بررسی کارشناسی، حدود ۴۸٪ آنان بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن با میانگین ۴۰/۶۰ سال و حدود ۴۵٪ آنان دارای ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه خدمت با میانگین ۱۹/۰۷ سال سابقه بوده است (جدول ۱).

جدول ۱ توزیع فراوانی و فراوانی نسبی ویژگی‌های فردی کارکنان و مربیان دبیرستان‌های شمال تهران (n = ۶۳۲)*

درصد	فراوانی	
تحصیلات		
۰/۴	۱	دکتر
۸/۹	۲۱	کارشناسی ارشد
۷۶/۳	۱۸۰	کارشناسی
۱۱/۴	۲۷	کاردانی
۲/۵	۶	دیپلم
سن (سال)		
۵/۱	۱۲	زیر ۳۰
۳۷/۳	۸۸	۳۰ تا ۴۰
۴۸/۳	۱۱۴	۴۰ تا ۵۰
۸/۹	۲۱	+ ۵۰
سابقه خدمت (سال)		
۸/۱	۱۹	زیر ۱۰
۴۱/۱	۹۷	۱۰ تا ۲۰
۴۴/۹	۱۰۶	۲۰ تا ۳۰
۵/۱	۱۲	+ ۳۰

* موارد بدون پاسخ در جدول نمی باشد.

جدول ۲. فراوانی نسبی عوامل مؤثر بر تعامل پلیس با دانش‌آموزان

درصد					عامل
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۵۳/۸	۴۲/۴	۱۰/۲	۷/۲	۴/۷	بازدید دانش‌آموزان از مراکز انتظامی، پلیس ۱۱۰ و ۱۹۷
۴۲/۲	۳۸/۶	۲۳/۷	۶/۴	۶/۴	حضور پلیس در اردوهای دانش‌آموزی

جدول ۲. فراوانی نسبی عوامل موثر بر تعامل پلیس با دانش‌آموزان (بقیه)

درصد						عامل
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین (از ۵)	
۴۴/۵	۳۳/۱	۱۴/۸	۴/۲	۲/۵	۴/۱۴	اطلاع‌رسانی پلیس از طریق ارائه آموزش‌های حضوری به دانش‌آموزان
۱۹/۹	۴۰/۳	۲۴/۶	۸/۵	۶/۸	۳/۵۸	اطلاع‌رسانی پلیس از طریق ارائه آموزش‌های غیرحضوری (روزنامه، بروشور، تراکت، مجله) به دانش‌آموزان
۳۴/۷	۳۴/۳	۲۳/۳	۴/۷	۲/۵	۳/۹۴	همکاری و تعامل پلیس با دانش‌آموزان از طریق اجرای طرح‌هایی مانند، پلیس یار مدرسه، همیاران پلیس در مدارس.....
۲۶/۳	۳۹/۴	۲۱/۶	۸/۹	۳/۸	۳/۷۵	همکاری و تعامل پلیس با دانش‌آموزان از طریق نصب و راه اندازی تلفن گویای دانش‌آموزی در جهت اعلام مشکلات و معضلات آنان به پلیس در مدارس
۴۶/۲	۳۲/۶	۱۱	۵/۱	۴/۷	۴/۱۱	برگزاری نشست‌هایی بین پلیس و دانش‌آموزان مدارس در خصوص حل مسایل و مشکلات آنان
۳۶/۹	۳۷/۳	۱۵/۳	۷/۲	۵/۲	۴	اطلاع‌رسانی پلیس از طریق معرفی و تبیین پیامدهای اعمال مجرمانه در مدارس
۴۰/۳	۲۹/۷	۱۹/۵	۵/۵	۳/۴	۴	بازدید اولیاء و والدین دانش‌آموزان از مراکز انتظامی، پلیس ۱۱۰ و ۱۹۷
۴۶/۶	۳۳/۵	۱۲/۷	۴/۳	۱/۳	۴/۲۲	حضور پلیس در اطراف مدارس و مسیر تردد دانش‌آموزان
۲۶/۳	۲۷/۵	۲۶/۷	۱۱/۹	۷/۲	۵۴/۳	حضور مداوم پلیس در مدارس و یا به صورت چرخشی (روزانه، هفتگی و یا ساعات مشخص)
۴۱/۱	۴۰/۳	۱۲/۳	۴/۲	۲/۱	۴/۱۴	اطلاع رسانی و ارائه آموزش‌های پلیس از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی (رادیو، تلویزیون، اینترنت) به دانش‌آموزان
۳۰/۵	۴۱/۹	۱۹/۱	۵/۹	۲/۵	۳/۹۲	اطلاع رسانی پلیس از طریق نصب تابلوهای ثابت هشداردهنده در دید دانش‌آموزان مدارس
۳۸/۱	۳۷/۷	۱۴/۸	۴/۷	۳/۸	۴/۰۳	برگزاری نشست‌هایی بین پلیس و اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان در جهت حل مشکلات و معضلات آنان

جدول ۲. فراوانی نسبی عوامل موثر بر تعامل پلیس با دانش‌آموزان (بقیه)

درصد					عامل
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳۴/۷	۳۷/۳	۲۱/۲	۴/۷	۰/۸	تعامل و مشارکت پلیس با مدارس به منظور جلب اعتماد و همکاری دانش‌آموزان با پلیس
۳۸/۱	۳۰/۹	۲۰/۳	۵/۱	۵/۵	بازدید مدیران، مربیان و کارکنان مدارس از مراکز انتظامی و پلیس ۱۱۰ و ۱۹۷
۴۰/۷	۳۳/۹	۱۳/۱	۶/۸	۴/۷	اطلاع رسانی و ارائه آموزش‌های پلیس از طریق نمایش فیلم، میان پرده، تئاتر در مدارس
۳۰/۱	۴۵/۳	۱۴	۶/۴	۴/۲	اطلاع‌رسانی از طریق برپایی نمایشگاه پلیس به منظور افزایش آگاهی دانش‌آموزان
۲۸/۴	۲۸/۸	۲۲/۹	۱۲/۷	۶/۸	نصب صندوق پلیس و اعلام مشکلات دانش‌آموزان و مکاتبه با پلیس در مدارس
۳۳/۹	۳۶	۱۷/۴	۶/۴	۵/۵	برگزاری جلسات مددکاری و مشاوره‌ای در مدارس
۳۲/۶	۳۵/۲	۲۲	۵/۹	۳	برگزاری نشست‌هایی با مدیران و مربیان مدارس در جهت حل مشکلات و معضلات دانش‌آموزان
۴۰/۳	۲۴/۴	۱۱/۹	۳	۲/۵	اطلاع رسانی پلیس از طریق ارائه آموزش‌های حضوری به دانش‌آموزان در خصوص جرایم و تهدیدهای محیطی (پیرامون مدرسه)
۳۷/۷	۴۲/۸	۱۲/۷	۴/۷	۱/۷	اطلاع رسانی و ارائه آموزش‌هایی در خصوص رعایت نکات ایمنی توسط پلیس به دانش‌آموزان
۴۲/۸	۳۴/۳	۱۶/۵	۴/۷	۱/۳	تعامل پلیس با مدارس و سالم‌سازی محیط مدرسه

تحلیل استنباطی:

فرضیه اول: بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه، میانگین ارزش عددی ۸ شاخص مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در

جدول ۳ درج شده است:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 & \text{(بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرائم رابطه وجود ندارد.)} \\ H_1: \mu > 3 & \text{(بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرائم رابطه وجود دارد.)} \end{cases}$$

جدول ۳. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه‌ی اول تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	سطح معناداری
ارتباط بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرائم	۲۳۶	۳/۹۵۷۸	۰/۷۷۶۱	۰/۰۵۱۲	۱۸/۷۲	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده (Sig. < ۰/۰۵) فرض صفر (H_0) رد می‌شود یعنی با ۹۵٪ (حتی با ۹۹٪) اطمینان می‌توان گفت بین تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر فرضیه اول تحقیق «تأیید» می‌شود. (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید می‌نماید).

فرضیه دوم: بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه، میانگین ارزش عددی ۸ شاخص مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول ۳ درج شده است:

$$\begin{cases} H_0: \mu \leq 3 & \text{(بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه وجود ندارد.)} \\ H_1: \mu > 3 & \text{(بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه وجود دارد.)} \end{cases}$$

جدول ۴. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه‌ی دوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	سطح معناداری
ارتباط بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرائم	۲۳۶	۳/۹۶۸۵	۰/۶۸۷۷	۰/۰۴۴۸	۲۱/۶۳	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معناداری به دست آمده (Sig. < ۰/۰۵) فرض صفر (H_0) رد می‌شود یعنی با ۹۵٪ (حتی با ۹۹٪) اطمینان می‌توان گفت بین تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر فرضیه دوم تحقیق «تأیید» می‌شود. (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید می‌نماید).

فرضیه سوم: این تعامل پلیس با دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد.

به منظور بررسی این فرضیه، میانگین ارزش عددی ۸ شاخص مربوطه برای هر یک از پاسخگویان محاسبه و سپس از آزمون t یک نمونه‌ای جهت آزمودن فرض زیر استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول زیر درج شده است:

$$\begin{cases} H_0 : \mu \leq 3 & \text{(بین تعامل پلیس با دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه وجود ندارد.)} \\ H_1 : \mu > 3 & \text{(بین تعامل پلیس با دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه وجود دارد.)} \end{cases}$$

جدول ۵. نتایج آزمون t یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه سوم تحقیق

متغیر	تعداد پاسخگویان	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	سطح معناداری
ارتباط بین تعامل پلیس با دانش‌آموزان و کاهش جرائم	۲۳۶	۳/۹۱۹۰	-/۷۳۲۲	-/۰۴۸۰	۱۹/۱۳	۰/۰۰۰

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده ($\text{Sig.} < ۰/۰۵$) فرض صفر (H_0) رد می‌شود یعنی با ۹۵٪ (حتی با ۹۹٪) اطمینان می‌توان گفت بین تعامل پلیس با دانش‌آموزان و کاهش جرائم رابطه معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود. (آزمون علامت نیز این نتایج را تأیید می‌نماید.)

اولویت‌بندی تعاملات مختلف پلیس در کاهش جرائم دانش‌آموزی: به منظور مقایسه میزان تأثیر تعاملات مختلف پلیس در کاهش جرائم دانش‌آموزان و اولویت‌بندی این تعاملات، از روش تحلیل واریانس فریدمن استفاده گردید که نتایج این آزمون در جدول ۶ درج شده است:

$$\begin{cases} H_0 : \mu \leq 3 & \text{میزان تأثیر تعاملات مختلف پلیس در کاهش جرائم دانش‌آموزان یکسان است.} \\ H_1 : \mu > 3 & \text{حداقل یکی از تعاملات دارای تأثیر بیشتری می‌باشد.} \end{cases}$$

جدول ۶. نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن جهت اولویت‌بندی میزان تأثیر تعاملات مختلف پلیس در کاهش جرائم دانش‌آموزی

سطح معنادار (Sig.)	درجه آزادی	مقدار آماره خی دو	تعداد نمونه	مقایسه تأثیر روش‌های مختلف
۰/۰۲۳	۲	۷/۵۲۹	۲۳۶	

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده ($\text{Sig.} < ۰/۰۵$) فرض صفر (H_0) رد می‌شود که بر اساس میانگین‌های رتبه‌ای حاصل از آزمون فریدمن می‌توان این تعاملات را از نظر میزان تأثیر آن‌ها در کاهش جرائم به صورت جدول ۷ اولویت‌بندی نمود:

جدول ۷. اولویت‌بندی تأثیر تعاملات مختلف پلیس در کاهش جرائم دانش‌آموزان بر اساس میانگین‌های رتبه‌ای حاصل از آزمون فریدمن

اولویت	نوع تعامل اولویت	میانگین رتبه‌ای
۱	تعامل با مربیان و کارکنان مدارس	۲/۱۱
۲	تعامل با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان	۲/۰۱
۳	تعامل با دانش‌آموزان	۱/۸۸

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از دید پاسخگویان، تعامل پلیس با مدارس با رویکرد آگاه‌سازی براساس میانگین رتبه‌ای آزمون فریدمن به شرح ذیل اولویت بندی می‌گردد. تعامل پلیس با مربیان و کارکنان مدارس با میانگین رتبه‌ای ۲/۱۱ رتبه نخست را به خود اختصاص داده است و تعامل پلیس با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان را با اختصاص ۲/۰۱ در ردیف دوم اهمیت قرار داده و تعامل با دانش‌آموزان مدارس را با رتبه ۱/۸۸ در ردیف سوم قرار داده است. از اولویت‌بندی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که تعامل و مشارکت پلیس با کارکنان مدارس اعم از مدیران و معلمین بیشترین تأثیر را در کاهش جرائم دانش‌آموزی داشته و پس از آن به ترتیب تعامل با اولیاء و سرپرستان دانش‌آموزان و تعامل با دانش‌آموزان در کاهش جرائم مؤثر می‌باشند. لذا پلیس برای پیشگیری از جرایم با استفاده از منابع و امکانات موجود با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده بایستی تعاملات لازم را با هر سه گروه برقرار و با توجه به اولویت بندی در خصوص آگاه‌سازی آنها اقدام نماید تا تأثیر انرا را بر کاهش جرایم و رسیدن به جامعه‌ای امن و مطلوب ملاحظه نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق در تمامی فرضیات و سوالات آن نشان داد که برقراری ارتباط و تعامل بین پلیس و جوانان و نوجوانان دانش‌آموز، موجب تقویت پیوندهای عاطفی و ایجاد روحیه صمیمیت و همدلی بین آنها می‌گردد. تعاملی که طی آن پلیس خواسته و نیازهای امنیتی و انتظامی مردم را شناسایی کند و مشکلات آنها را دریابد و در رفع آنها بکوشد. اگر نیروی انتظامی از مردم فاصله بگیرد و برخورد قهر آمیز با آنها داشته باشد، آگاه‌سازی و اطلاع رسانی نکند، انتقادپذیر و پاسخگو نباشد، اعتماد مردم را از دست خواهد داد. و زمانی که اعتماد مردم از نیروی انتظامی سلب شود، انتظار همکاری از آنها در انجام وظایف انتظامی، انتظاری بعید خواهد بود. لذا بایستی شرایطی را فراهم نمود، تا مردم پلیس را از آن خود و متعلق به خودشان بدانند و آنرا حافظ جان و مال خود و خانواده خود تلقی کنند و مشکلات و محدودیت‌های پلیس را نیز دریابند. اگر این شرایط فراهم گردد مردم بیشترین همکاری را با پلیس خواهند داشت و او را در انجام مأموریت‌های یاری خواهند نمود. برقراری تعامل و روابط حسنه بین پلیس و جوانان از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که جوانان و نوجوانان در مدارس فرایند اجتماع پذیری را سپری می‌کنند و آماده وارد شدن به اجتماع می‌شوند. این قشر به علت فراوانی آن در جامعه از پتانسیل بالایی برخوردار است. جامعه ما جامعه جوانی است و بیش از ۷۰ درصد جمعیت آن زیر ۳۰ سال می‌باشد. این پتانسیل بالا می‌تواند در دو جهت مثبت و منفی عمل کند. اگر جوانان از جامعه‌ای امن برخوردار باشند، و در فرایند آموزش و تربیت هویت ملی و میهنی خود را دریابند و به توانمندی‌های خود و کشور خود ایمان بیاورند و روحیه تلاش، پشتکار و قانونمندی در

آنها تقویت شود. پتانسیل قوی آنها در خدمت توسعه و آبادانی کشور قرار می‌گیرد. اما اگر عکس این باشد و امید آنها به یاس تبدیل، و به آنها القا شود که توان انجام کاری را ندارند؛ انرژی آنها رو به اضمحلال می‌رود و با گرایش به انحرافات، اعتیاد، قانون شکنی، بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در جامعه موجب خواهند شد. لذا پلیس به عنوان حافظ امنیت و آرامش و قانونمداری در جامعه، بایستی به گونه‌ای عمل کند که مردم به ویژه جوانان و نوجوانان احساس امنیت و آرامش کنند و این احساس جز با برقراری روابط نزدیک و محکم بدست نخواهد آمد. لذا پیشنهاد می‌گردد که رویکرد برقراری تعامل با جوانان در راس سیاست‌های نیروی انتظامی قرار گیرد و برنامه آموزش همگانی ناچا برای دانش‌آموزان با شرایط زیر اجرا شود.

- ۱- آموزش همگانی ناچا در تمامی مدارس و مراکز آموزش عالی اجرا شود، لااقل ماهی یکبار برنامه آموزش همگانی اجرا شود.
- ۲- برای تدوین محتوای برنامه‌های آموزش همگانی از کارشناسان و استادان روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و علوم تربیتی استفاده شود.
- ۳- از ماموران مجرب، کارشناسان متعهد، معتمد و خوش برخورد استفاده شود. از نیروهای بازنشسته و مجرب نیز می‌توان استفاده کرد.
- ۴- نشریات آموزشی، علمی و خبری ویژه آموزش همگانی برای دانش‌آموزان تهیه و در سطح مدارس استفاده گردد.
- ۵- از کارگاه‌های آموزشی جهت آشنایی دانش‌آموزان با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و اثرات مخرب آن بر فرد و جامعه استفاده گردد.
- ۶- از نظرات کارکنان و مربیان، اولیاء و سرپرستان و دانش‌آموزان برای کنترل و کاهش آسیب‌ها و جرایم استفاده گردد.
- ۷- انجام پژوهشی در خصوص موانع و مشکلات موجود برای برقراری تعامل پلیس با مدارس.
- ۸- زمینه‌های بازدید علمی و برگزاری اردوهای علمی و آموزشی برای دانش‌آموزان در نیروی انتظامی و در کنار ماموران ناچا.
- ۹- ایجاد فرهنگ احساس مسئولیت در دانش‌آموزان در ارتباط با نظم و امنیت عمومی از طریق رسانه‌های جمعی و آموزش همگانی.
- ۱۰- برقراری تعاملات لازم با مدیران و مربیان مدارس و استفاده از نظرات آنها در کاهش زمینه‌های جرم و حل معضلات و مشکلات ناشی از آن.
- ۱۱- مشارکت و حضور در اردوهای دانش‌آموزی و آموزش چهره به چهره آنان در خصوص موارد انتظامی و شناساندن پیامدهای بزه.
- ۱۲- تهیه و تدوین بروشور، تراکت، روزنامه و مجله با محتوای اطلاع‌رسانی از اعمال مجرمانه و پیامدهای آن و توصیه‌هایی در این زمینه.
- ۱۳- با همکاری و مشارکت ادارات ذیربط در خصوص نصب و الصاق تابلوهای هشدار دهنده در دید دانش‌آموزان جهت استفاده روزمره آنان.
- ۱۴- با همکاری مسئولان مدرسه نسبت به نصب و راه‌اندازی تلفن گویای پلیس و صندوق اعلام نظرات و مشکلات دانش‌آموزان مدارس و انعکاس اینگونه موارد به پلیس در جهت حل و فصل و مداخله بهنگام.
- ۱۵- برپایی نمایشگاه‌های از سوی پلیس با محتوای عکس و اسلاید به صورت مصور در جهت آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی برای مدیران و معلمان و اولیاء و سرپرستان و دانش‌آموزان با توجه به فراخور سنی و

- درک آنان از محتوای نمایشگاه.
- ۱۶- حضور پلیس در مدارس بصورت چرخشی، روزانه، هفتگی و یا در ساعات مشخصی در صورت نیاز و ارائه آموزش‌های حضوری توأم با آگاه‌سازی دانش‌آموزان.
- ۱۷- برگزاری جلسات پرسش و پاسخ و نشست‌هایی با هر سه گروه و ارائه آموزش‌های همگانی و مشاوره‌ای به آنان.
- ۱۸- برقراری تعاملات لازم با کارکنان مدارس برای تحت پوشش قراردادن اطراف و پیرامون و داخل مدرسه و محل تردد دانش‌آموزان در جهت ارتقاء کیفی امنیت محل و سالم‌سازی محیط مدرسه.

کتابنامه

- اتکینسون، ان (۱۳۸۵). **پلیس جامعه محور در مدرسه**، ترجمه سروش بهربر. تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
- خمسهای، علی محمد (۱۳۸۲). **بررسی تأثیر آگاه‌سازی اجتماعی ناجا بر نگرش دانش‌آموزان پیش دانشگاهی شهر رشت نسبت به پلیس و انحرافات اجتماعی**، پایان نامه کارشناسی ارشد (رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی). تهران: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- دانش، تاج زمان (۱۳۶۹). **مجرم کیست جرم شناسی چیست**، تهران: کیهان.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۴). **تعامل پلیس و مردم**، تهران: جام جم.
- رئییسی وانانی، رضا (۱۳۸۳). **بررسی اثربخشی آموزش‌های همگانی نیروی انتظامی در پیشگیری از سرقت منازل**، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره ۳: ۲۲-۱۵.
- رجبی پور، محمود (۱۳۸۲). **راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم تعامل پلیس و دانش‌آموزان**، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۳: ۲۷-۹.
- سازمان عقیدتی سیاسی ناجا (۱۳۸۳). **نیروی انتظامی مظهر امنیت و اقتدار ملی (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)**، تهران: عقیدتی سیاسی.
- عدی، توحید (۱۳۸۳). **تبیین رویکرد جامعه محوری**، فصلنامه دانش اجتماعی، سال ششم، شماره ۴: ۱۵-۲۷.
- فرید من، رابرت ار (۱۳۸۳). **چند مسئله مفهومی و عملی**، پلیس جامعه محور. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- گودرزی، آیت و دعاگویان، داود (۱۳۸۵). **مبانی نظری ساختار تعامل پلیس و مردم**، فصلنامه دانش انتظامی، سال هشتم، شماره ۲: ۳۴-۳۷.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹). **مشارکت مردم در امنیت عمومی، امنیت**، سال چهارم: ۹-۱۰.